



۱۱

گفت‌وگو با لیلی گلستان

ما به زندگی بدهکاریم نه طلبکار

رونمایی از تندیس بزرگ آقای سینما



حلقه‌های مفقوده در بازار پرفروش‌های کتاب

جای خالی سریال‌های کاغذی



۱۲

فرهنگ

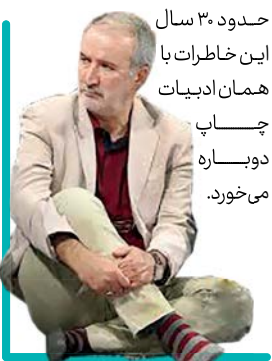
دوشنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۰۴



کاغذ اخبار

خاطرات جا مانده از جنگ

کتاب «اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی» نوشته مرتضی سرهنکی به تازگی توسط انتشارات سروش به چاپ پنجم رسیده است. چاپ چهارم این کتاب سال ۶۰ توسط انتشارات سروش عرضه شد و ارائه چاپ پنجم آن تا امروز میسر نشده بود. سرهنکی درباره این کتاب به مهر گفت: می‌توانم بگویم این اتفاق، یعنی مصاحبه با اسرای جنگی و چاپ خاطرات آنها تاکنون در هیچ کشوری انجام نشده است. اما ایران، این کار را انجام داد و این به خوش رفتاری ایرانی‌ها با اسرای جنگی بر می‌گردد که در نهایت حاضر به گفت‌وگو شدند. این کتاب و کتابی که در سوره مهر چاپ شده حاصل مصاحبه و گفت‌وگو هستند، اما تقریباً ۶۵ عنوان کتاب دیگر از اسرای عراقی باقی مانده که به قلم خود اسرا نوشته شده است. حالا هم بعد از



جشنواره‌های یکی از ریخت‌پراکنج‌ترین مناسبات فرهنگی و هنری هستند

تجربه‌های بهاره رهنما از مبارزه با کرونا

بهاره رهنما که بعد از ابتلا به ویروس کرونا، سلامتی نسبی خود را بازیافته است، تجربه‌های خود را در مبارزه با این ویروس با مردم به اشتراک گذاشت. این هنرمند که چندی است به ویروس کرونا مبتلا شده، این روزها حال نسبتاً بهتری دارد اما در عین حال برای دیگر مردم نگران است و با لایوهایی که در صفحه اینستاگرامش می‌گذارد، درباره این بیماری اطلاع‌رسانی می‌کند. او درباره مبارزه با کرونا به ایسنا گفت: این بیماری به هر حال اکثر ما را درگیر خواهد کرد و بهتر است این روزها سعی کنیم ایمنی بدن مان را بالا ببریم و به جای ایجاد ترس در یکدیگر و انتقال اخبار منفی که خود ایجاد استرس می‌کند، آگاهی‌رسانی کنیم.

تسلیم کرونا نشویم

حسین مسافرآستانه هر چند به تازگی اجرای نمایشش را به دلیل بالا رفتن آمار مبتلایان به کرونا متوقف کرده است، می‌گوید نباید اجازه بدهیم کرونا بر ما چیره شود. این کارگردان تئاتر جزو اولین هنرمندانی بود که بعد از بازگشایی سالن‌های تئاتر، نمایش خود را روی صحنه برد. نمایش «برگشتن» کار این هنرمند در تماشاخانه «سرو» روی صحنه می‌رفت و تنها پنج شش اجرای آن باقی مانده بود که آمار مبتلایان به کرونا بالا گرفت و گروه اجرایی و سالن تئاتر تصمیم گرفتند موقتا اجرای این اثر را متوقف کنند.



در سال گذشته قریب به ۱۵۰ جشنواره ادبی در کشور برگزار شده اما خروجی این جشنواره‌ها چه بوده است؟

گزارش یک جشنواره



به مناسبت ۴۰ سالگی پولاد کیمیایی نگاهی داریم

به حضورهای این بازیگر در فیلم‌های پدرش مسعود کیمیایی

دور نرو!

همه همکاری‌های درخشان آکبر کوروساوا و توشیرو میفونه، مارتن اسکورسیزی و رابرت دنیرو، تیم برتون و جانی دپ، بهرام بیضایی و سوسن تسلیمی و ابراهیم حاتمی‌کیا و پرویز پرستویی و برخی دیگر را به یاد بیاورید تا دوباره به اهمیت زوج‌های هنری و تعاملات تأثیرگذار اذعان کنید. وقتی بازیگر و کارگردان در درست‌ترین زمان ممکن به هم برسند و فصل‌های مشترکی داشته باشند، همکاری‌ها و رفاقت‌هایی حرفه‌ای شکل می‌گیرد که بهترین بهره‌اش را تماشاگران می‌برند. اما آیا زوما تعداد و تکرار همکاری‌های بازیگر و کارگردان، نتیجه درخشانی دارد و مخاطبان را سر ذوق می‌آورد؟ اگر دنبال مثال نقضی باشیم که نشان چندان از آن درخشش تعاملی و همکاری مستند نداشته باشد، باید به همکاری مسعود پولاد کیمیایی اشاره کنیم که در رکوردی مهم و شاید به سختی دست‌یافتنی در ۱۲ فیلم با یکدیگر همکاری کردند.

حضور اولیه پولاد کم سن و سال و نوجوان در فیلم‌های مسعود کیمیایی که تنها توجیه خویشاوندی و پسر و پدری دارند و راه به هیچ نقد و نظری نمی‌دهند. به ویژه سرب که پولاد هشت ساله در سکانس مشهوری همراه شاهد احمدلو، کوئیمار کلاری، کامیار کلاری و آرش اسلامی شاهد کتک خوردن نوری، قهرمان قصه (هادی اسلامی) مقابل سینما خورشید نو است. حضور پولاد نوجوان و جوان و تجارت و سلطان و فریاد هم خوب و به اندازه است و آزاری به کسی نمی‌رساند. اما از اعتراض که قصه حضور او در فیلم‌های پدر جدی‌تر می‌شود، می‌توان مداد‌های نقد و نظر را تیزتر کرد. نقش‌های پولاد در اعتراض و سربازهای جمعه مکمل است و پرداخت چندان محکمی هم در فیلم‌نامه ندارد. برای همین تلاش‌های پولاد هم آنچنان به ثمر نمی‌نشیند. از حکم به بعد هم پولاد جای قهرمانان اسم و رسم‌دار سینمای کیمیایی همچون بهروز وثوقی، فرامرز قریبیان و هادی اسلامی و در درجه‌های بعدی فریبرز عرب‌نیا و محمد رضا فروتن می‌گذارد، اما با وجود همه کوشش‌های پولاد در حکم، رئیس، محاکمه در خیابان و جرم، او هم قدم قهرمانان سینمای کیمیایی نیست. شاید هم اشکال از متن و نقش‌ها باشد که باید همگام با زمانه تغییر شکل می‌دادند، در آن صورت ما هم شمایل قهرمانان زخم‌خورده جدید را با بازی پولاد باور می‌کردیم. شاید به دلیل همین نتایج نه‌چندان خوشایند و ماندگار باشد که پولاد دیگر در متروپل و قاتل اهلی، جامه قهرمان کیمیایی

را بر تن نکرد و در نقش‌هایی مکمل ظاهر شد و در «خون‌شد» نیز که اصلاً جایی در میان بازیگران نداشت. تا اطلاع ثانوی، همقد شدن پولاد با قهرمانان تپیکال و کلاسیک سینمای کیمیایی یا تغییر رویکرد استاد در خلق قهرمانانی امروزی با همه نقاط ضعف و قوت‌شان، دلخوشیم به هنر‌نمایی پولاد کیمیایی در فیلم‌هایی چون گشت ارشاد. شما را نمی‌دانم، اما من یکی که فکر می‌کنم پولاد در نقش‌هایی مثل عطا دلپذیر و بانمک است و استعداد‌های نهفته‌اش را شکوفای می‌کند. همه این تجربه‌ها و نقش‌آفرینی‌های متفاوت از سینمای کیمیایی، شاید به زودی و در درست‌ترین زمان ممکن به درد شخصیت‌های خوش‌نوشته و فیلم‌های خوب پرداخت شده استاد بخورد. پس پولاد جان کیمیایی زیاد دور نرو.

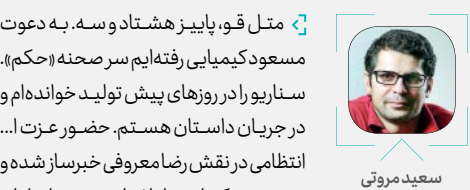
به نام پسر

با وجود سن کمش غیرت می‌کند و در غربت، پای دوستش می‌ایستد. عادل فیلم «سلطان» که اولین صحنه حضورش در فیلم با دیالوگ‌های سلطان در یادها ماند و «عین‌آهوی زنده مونده» ماند تا نشانه‌ای باشد از نسل جوان پویا و با سواد که قرار است آینده را بسازد و در فردای بدون سلطان حاضر باشد. مرد جوان خشمگینی که در «فریاد» همه هستی‌اش را از دست داده و کسی نمی‌تواند آرامش کند.

یوسف پسر کوچک‌یک فیلم «اعتراض» که از وقتی به سرش باتوم زده‌اند، دائم می‌خندد. سعید روزنامه‌خوان و علاقه‌مند عالم سیاست فیلم «سربازهای جمعه» که با هم خدمتی‌هایش در عین رفاقت، کمی فاصله دارد. همه این‌ها حکم مقدمه‌ای را داشتند تا پولاد به فیلم حکم برسد. تا قبل از حکم، پولاد پسر مسعود کیمیایی بود و بعد از حکم پولاد بازیگر به رسمیت شناخته شد.

انتظامی ماشه را می‌چکاند، لیلا حاتمی پریشان و گریان به سوی پولاد می‌رود. پولادی که در آخرین نماهای فیلم، واپسین نشانه‌های فیلمیک را اجرا می‌کند و مرگ را سینمایی بازی می‌کند. بعد از «حکم»، پولاد به قهرمان فیلم‌های پدر تبدیل می‌شود. در «رئیس» هنوز قریبیان هست که ما را یاد «گوزن‌ها» و «ردپای گرگ» بیندازد و البته پولاد هم کنارش حضور دارد. با نقش رضا سرچشمه در فیلم «جرم»، کیمیایی پدر، کیمیایی پسر را در قامت قهرمانی نشانده که اسلافش بهروز وثوقی، فردین، فرامرز قریبیان، سعید را، فرامرز صدیقی، فریبرز عرب‌نیا، محمد رضا فروتن و عزت‌ا... انتظامی بودند. قامت قهرمان کیمیایی اقتدر بلند است که «زیر سایه‌اش ده نفر خنک شوند».

حالا سال‌هاست پولاد بازیگری حرفه‌ای است و اتفاقاً در فیلم‌های کارگردان‌های دیگر هم حضورش قابل قبول است. یک فیلم هم کارگردانی کرده که از فیلم اول خیلی‌ها بهتر است. پسر مسعود کیمیایی بودن بار سنگینی بر دوش پولاد گذاشته، خروج از زیر سایه سنگین نام پر افتخار و پر اعتبار پدر هم اصلاً ساده نبوده و نیست. کیمیایی پدر ستاره به دنیا آمده (با هر ترکیب پرستاره‌ای همیشه ستاره اصلی در فیلم‌ها خود مسعود کیمیایی است) کیمیایی پسر در جست‌وجوی فردیت است. همکاری‌های مشترک پدر و پسر در سال‌های اخیر منجر به سوء تفاهم‌ها، کدورت‌ها و حتی دشمنی‌هایی با مسعود کیمیایی شد. خیلی جاها چون برای زدن پدر، پسر را نواختند. «خون‌شد» فیلم آخر مسعود کیمیایی که فیلم درست و خوبی هم هست، بدون حضور پولاد کیمیایی ساخته شد؛ اتفاقی بی سابقه در دو دهه اخیر. و شاید این فاصله گرفتن مقطعی به نفع هر دو تمام شد. پولاد کیمیایی حالا بازیگری با تجربه و حرفه‌ای است و البته کارگردانی جوان که احتمالاً فکری‌های هم برای ساخت فیلم دومش دارد. پولاد می‌خواهد صندلی خودش را داشته باشد، که می‌تواند و البته پشت گرم به بهترین پدری است که سینمای ایران به خودش دیده است. از این عشق پدر و پسر و این چشمه جوشان محبت و عاطفه، یادگارهایی برای سینمای ایران به ارمغان آورده که از منظر پسر، مهم‌ترینش فیلم «حکم» است؛ بزنگاهی که برای پولاد، حکم تولدی دیگر را داشت.



سعید مروتی

منتقد فیلم و روزنامه نگار

متل قو، پاییز هشتاد و سه. به دعوت مسعود کیمیایی رفته‌ایم سر صحنه «حکم». سناریو را در روزهای پیش تولید خوانده‌ام و در جریان داستان هستم. حضور عزت ا... انتظامی در نقش رضا معروفی خیرساز شده و خسرو شکیبایی و لیلا حاتمی و بهرام رادان هم هستند تا آسمان بازیگری فیلم حکم، پرستاره باشد و البته پولاد هم هست که چند سالی است در فیلم‌های پدر جلوی دوربین می‌رود. بیشترین توجه عمومی معطوف به اولین همکاری آقای بازیگر با مسعود کیمیایی است. در اولین عکس منتشرشده از فیلم روی جلد هفته‌نامه سینما عزت ا... انتظامی هست و خودرویی قدیمی و کلی حس و حال خوب که آدم را به فیلم تازه کیمیایی امیدوار می‌کند. «سربازهای جمعه» فیلم قبلی کیمیایی، انتظاری را که از فیلمساز تاریخ‌ساز سینمای ایران می‌رفت، برآورده نکرده بود؛ هرچند دوستارانی هم داشت. با رفیقم خسرو نقیبی سر صحنه فیلم تازه کیمیایی حضور داریم. زرین دست پشت دوربین است و انتظامی، لیلا حاتمی و بهرام رادان هم هستند و پولاد. پولادی که در جمع نام‌آوران فیلم حکم شاید خیلی به چشم نمی‌آید. او بازیگر نقشی مسلط پولاد است و هنوز هیچ‌کس نمی‌داند که قرار است با همین پولاد بازیگر ستاره گونی می‌دانست که در آن سال‌ها می‌خواست به آن برسد.

قرار است صحنه گفت‌وگوی رضا معروفی و محسن را فیلمبرداری کنند. آقای انتظامی و پولاد کیمیایی مقابل هم نشسته‌اند. مسعود کیمیایی بعد از گفت‌وگویی کوتاه و خصوصی با انتظامی، نکته‌ای هم به پولاد می‌گوید و دستور حرکت می‌دهد. آنچه به چشم می‌آید حضور مسلط پولاد است و هنوز هیچ‌کس نمی‌داند که قرار است با همین نقش و همین فیلم، پولاد بازیگر متولد شود. احتمالاً هیچ‌کس جز مسعود کیمیایی، که حواسش هست پولاد چگونه این نقش خشن و منفی را دوست داشتی از کار در بیاورد. نقشی که خیلی طولانی نیست؛ کاریز رضا معروفی را ندارد، حشمت از نقش سه‌پند که در سراسر فیلم با رضا معروفی است، کمتر است و مهم‌تر از همه منفی است. البته روی کاغذ منفی است و در اجرا محسن به یکی از شخصیت‌های مهم فیلم حکم تبدیل می‌شود. با همان خشونت و عاشقانه‌هایش (در معدود فلاش‌بک‌های سینمای کیمیایی) و آن حضور مسلط پولاد کیمیایی که صحنه به صحنه بهتر می‌شود. نقشی که درخشش در آن، محصول رانت پدر نیست و از استعداد و قابلیت پسر می‌آید.

پسر بچه‌ای که در فیلم «سرب» همراه با شاهد احمدلو و کوئیمار کلاری شاهد کتک خوردن نوری (هادی اسلامی) بود.

پسر جلال پیشواییان که در «تجارت»

پولاد کیمیایی در نمایی از فیلم «جرم»